

فابل در دیوان پروین اعتصامی

ابراهیم یوسفی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه پیام نور بیرجند

زهرا راستگو

دبیر ادبیات مدارس راهنمایی بیرجند

چکیده

آنچه دیوان پروین اعتصامی را از سایر آثار ادبی متمایز و ممتاز می‌سازد، علاوه بر همدردی صمیمانه او با محرومان و طبقات ضعیف جامعه، شیوه مناظره‌پردازی او و ایجاد ارتباط بین موجودات و اشیاء بی‌جان است. ژرف ساخت مناظره غالباً حماسه است؛ زیرا در آن بین دو چیز بر سر برتری و فضیلت یکی بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی در بر می‌گیرد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می‌گردد.

در دنیای اندیشه پروین، اخلاقیات، ظهور و بروز چشمگیری دارند. محبت زنانه و لطافت روح وی در قالب مناظره‌های بی‌بدیلش به شعر او تشخص ویژه‌ای بخشیده است و به مدد این شگرد ادبی تا اعماق جان مخاطبانش نفوذ می‌کند.

بخش اعظم این مناظره‌ها - که در قالب فابل ارائه شده - نشانگر روح بلند و تکامل یافته زنی است که هنرش را خرج آرمانش کرده و با توسل به تمثیل در پی تحقق و ترویج این آرمان بوده است.

در این مقاله سعی شده است تا با نگاهی به فابل، زوایای این شگرد ادبی در دیوان پروین اعتصامی مورد کاوش و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: پروین اعتصامی، فابل، مناظره، داستان

مقدمه

فابل (Fable) در اصل و به مفهوم کلی به هر داستان خیالی یا بیان توصیفی گفته می‌شود. در مفهوم جدید و دقیق‌تر، عبارت است از حکایتی کوتاه - چه به نظم و چه به

نثر - که به قصد انتقال یک درس اخلاقی یا سودمند گفته شده است. در این حکایت اخلاقی، شخصیت‌ها اغلب حیواناتند اما اشیاء بی‌جان، انسان‌ها و خدایان نیز ممکن است در آن ظاهر شوند. (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۱۵)

«در فابل حیوانات شخصیت‌های اصلی هستند و حکایت یک نتیجه اخلاقی ویژه را به وضوح روشن می‌کند.» (همان: ۱۱۷)

از قدیمی‌ترین نمونه‌های فابل در فرهنگ ایرانی می‌توان به منظومه «درخت آسوریک» اشاره کرد. این مجموعه، منظومه‌ای است به زبان پهلوی، متضمن مناظره میان بز و درخت خرما و رجحان هر یک بر دیگری. از قصه‌های تمثیلی زبان فارسی در گذشته نیز می‌توان به «عقل سرخ» و «آواز پر جبرئیل» سهروردی اشاره کرد.

کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، منطق‌الطیر (عطار نیشابوری) و موش و گربه (عبید زاکانی) از مشهورترین فابل‌های ادبیات فارسی هستند. هرچند تقریباً هیچ یک از آثار برجسته ادبیات فارسی از این نوع ادبی، خالی نیست.

برخلاف گذشته، امروزه تمثیل‌ها چندان ساده و ابتدایی نیستند که منظور نویسنده را به سهولت بتوان دریافت. در بعضی از رمان‌های معاصر، این خصلت تمثیلی به شخصیت‌ها گیرندگی و جذابیت خاصی می‌دهد. مثلاً شخصیت بوف کور و «موجود اثیری» و شخصیت‌های دیگری که در تماس و رابطه با آن‌ها هستند. در بعضی دیگر از تمثیل‌ها، شخصیت‌ها جنبه کاریکاتوری پیدا می‌کنند. مثل شخصیت‌های رمان

«مزرعه حیوانات» نوشته جرج اورول. همچنین «در رمان «خدانندگان» انگلیسی مگس‌ها» اثر «ویلیام گلدینگ» انگلیسی شخصیت‌های تمثیلی، تصویرکننده خوبی و شر هستند.» (میرصادقی، ۱۳۶۴: ۱۰۵)

فابل در دیوان پروین اعتصامی

در دیوان پروین اعتصامی از مجموع ۲۰۹ شعر که در قالب‌های قطعه، قصیده و مثنوی سروده شده‌اند، بیش از ۶۰ شعر حالت مناظره دارد. بخش اعظم این مناظره‌ها در قالب فابل ارائه شده است که ۴۳ شعر و حدود ۲۲ درصد کل اشعار را شامل می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه‌گیری کرد که پروین با توسل به تمثیل در بیان مقصود و ارائه افکارش داشته است که محور آموزش غیرمستقیم و مؤثر به حساب می‌آید.

«ای برادر، قصه چون پیمانانه ایست

معنی اندر وی به‌سان دانه‌ایست

دانه معنی بگیرد مرد عقل

ننگرد پیمانانه را گرگشت نقل»

(مولانا، به نقل از جعفری: ۵۷۳)

عناصر اشعار پروین موجوداتی غالباً آشنا هستند که ارتباطی تنگاتنگ با زندگی انسان‌ها دارند و حضور و ظهورشان را در زندگی کاملاً می‌توان حس کرد و یکی از بارزترین عوامل تأثیر شعر پروین در اندیشه مخاطبان‌شان علاوه بر زبان ساده و روان شاعر، دقت و توجه به همین نکته است. موجوداتی از قبیل: سگ، گربه، کبوتر، مرغ خانگی، گنجشک، ماهی، روباه، طوطی و طاووس که از دیرباز با انسان‌ها مأنوس و مألوف بوده‌اند، در شعر پروین حضوری فعال و چشمگیر دارند.

انواع نمونه‌های فابل در دیوان پروین

پروین در انتخاب طرفین مناظره استادی و مهارتی هنرمندانه نشان داده؛ همان‌طور که در نحوه ایجاد ارتباط بین آنان دقیق و حساب شده عمل کرده است. در این مقاله ابتدا به بحث درباره انتخاب طرفین مناظره در آثار پروین و سپس به نحوه ارتباط آن‌ها می‌پردازیم.

انتخاب طرفین مناظره ۱. طرفین مناظره هر دو حیوان‌اند:

بیش‌ترین فابل‌های پروین در این مقوله جای می‌گیرند. از مجموع ۴۳ شعر او که در قالب فابل سروده شده‌اند، ۳۰ مورد، مورد اندکی بیش از ۶۹/۷ درصد - به گفت‌وگوی دو حیوان اختصاص یافته است؛ با درون‌مایه‌ای بسیار قوی و در نظر گرفتن عواطف، احساسات، نیازها و همه جوانب زندگی طرفین مناظره که موجب تأثیر و نفوذ هر چه بیشتر کلام شاعر شده است. در اینجا برای آگاهی بیشتر خوانندگان، مطلع هر یک از این اشعار ذکر می‌شود.

کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز به جرئت کرد روزی بال و پر باز (اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۴۷)

دید موری در رهی پیلی سترگ گفت باید بود چون پیلان بزرگ (همان: ۱۸۳)

گفت ماهی خوار با ماهی ز دور که چه می‌خواهی از این دریای شور (همان: ۱۹۸)

گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری کآخر تو هم برون کن از این آشیان سری (همان: ۲۱۰)

به طعنه پیش سگی گربه گفت کای مسکین قبیله تو بسی تیره روز و ناشادند (همان: ۲۱۲)

مرغی به باغ رفت و یکی میوه کند و خورد ناگه ز دست چرخ به پایش رسید سنگ (همان: ۲۱۶)

این چنین خواندم که روزی روبهی

پای بند تله گشت اندر رهی (همان: ۲۲۴)
بلبلی گفت به کنج قفسی

که چنین روز مرا باور نیست (همان: ۲۲۹)
در آگیر سحرگاه بط به ماهی گفت که روز گشت و شنا کردن و جهیدن نیست (همان: ۲۳۰)

ز قلعه ماکیانی شد به دیوار به ناگه روبهی کردش گرفتار (همان: ۲۴۴)
کبوتری سحر اندر هوای پروازی به بام لانه بیاراست پر ولی نپرید (همان: ۲۵۴)

به جغد گفت شبانگاه طوطی از سر خشم که چند بابت این گونه زشت گردیدن (همان: ۲۵۶)

نارونی بود به هندوستان زاغچه‌ای داشت در آن آشیان (همان: ۲۷۸)

به بام قلعه‌ای بازی شکاری نمود از ماکیانی خواستگاری (همان: ۲۹۱)
زاغی به طرف باغ به طاووس طعنه زد کاین مرغ زشت روی چه خودخواه و خودنماست (همان: ۲۹۳)

ز دامی دید گنجشکی همایی همایون طالعی فرخنده رای (همان: ۲۹۵)
ز حیل بر در موری نشست گربه و گفت که چند دشمنی از بهر حرص و آز کنیم (همان: ۳۰۳)

به کرم پیله شنیدم که گفت حلزون که کار کردن بی مزد عمر باختن است (همان: ۳۱۲)

گفت با صید قفس مرغ چمن که گل و میوه خوش و تازه رس است (همان: ۲۱۳)

موشکی را به مهر مادر گفت که بسی گیر و دار در ره ماست (همان: ۳۲۰)

دی مرغی که به مادر خود گفت تا به چند مانیم ما همیشه به تاریک خانه‌ای (همان: ۳۲۲)

پیام داد سگ گله را شبی گرگی که صبحدم بره بفرست میهمان دارم (همان: ۳۳۱)

به گربه گفت ز راه عتاب شیر ژبان ندیده‌ام چو تو هیچ آفریده سرگردان (همان: ۳۳۷)

گفت گرگی با سگی دور از رمه که سگان خویش‌اند با گرگان همه (همان: ۳۵۶)

با مرغکان خویش چنین گفت ماکیان کای کودکان خرد گه کار کردن نیست (همان: ۳۷۰)

دید موری طاسک لغزنده‌ای از سر تحقیر زد لبخنده‌ای (همان: ۳۷۵)
با مور گفت مار سحرگه به مرغزار کز ضعف و بیخودی تو چنین خردی و نزار (همان: ۳۷۹)

همای دید سوی ماکیان به قلعه و گفت که این گروه چه بی‌همت و تن‌آسانند (همان: ۳۹۸)

بلبلی از جلوه گل بی‌قرار گشت طربناک به فصل بهار (همان: ۱۶۹)
گربه پیری ز شکار اوفتاد زار بنالید و نزار اوفتاد (همان: ۳۱۰)

۲. یکی از طرفین مناظره حیوان و دیگری جماد یا نبات است:

از جمع ۸ شعری که ذیل این عنوان می‌گنجد، ۴ مورد به مناظره جاودانه و عاشقانه «گل و بلبل» اختصاص دارد. (اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۵۸، ۳۴۲، ۲۱۲، ۳۴۵)

در یک مورد شاهد گفت‌وگوی همیشگی «شمع و پروانه» هستیم (همان: ۳۲۲) و در سه مورد دیگر ذهن جوال و مبدع پروین بین عناصری غریب و ناهمگون ارتباطی بدیع و هنری ایجاد کرده است. در مناظره «مرغ و لعل» (همان: ۱۵۴) سخن بر سر بی‌اعتنایی مرغ نسبت به دانه لعلی است که نخست به طمع دانه چیدن «به چالاک‌اش ربود» و بعد «چوت دید هیچ نیست فکندش به خاک و رفت». این داستان یادآور حکایتی از «گلستان» سعدی است: «گرسنه‌ای که در بیابان کیسه‌ای مروارید یافت و پنداشت که گندم بریان است.» (خزائلی، ۱۳۶۶: ۴۲۹)

فابل «بلبل و ماه» (اعتصامی، ۱۳۷۰، ۱۸۸) البته به قوت و استواری بقیه مناظره‌های پروین نیست؛ به دلیل اینکه شاعر بدون توجه به روابط و تناسب طرفین گفت‌وگو سعی در بیان مقصود خویش داشته است. فریفته نشدن به زیبایی‌ها و کمالات عاریتی که «ماه»

در پاسخ به تعریف و تمجید «بلبل» بیان می‌کند. در این داستان، به راحتی می‌توان جای بلبل را با هر پدیده دیگری عوض کرد؛ بدون اینکه به ساختار اصلی داستان خللی وارد شود.

پروین در مناظره غریب «جعل با زغال» (همان: ۴۱۰) با طرح رابطه‌ای منطقی و سازمان یافته به خوبی از عهده بیان داستان برآمده است. در مجموع، در ۱۸/۶ درصد فابل‌های پروین یکی از طرفین گفت‌وگو جماد یا نبات است.

۳. مناظره حیوان با انسان است:

شمار اشعاری که رویکرد آن‌ها تناظر و تقابل انسان با حیوان است نسبت به دو مورد گذشته کمتر است. تنها ۴ شعر یعنی حدود ۹/۴ درصد اشعار با این ساخت و محتوا سروده شده‌اند که از همه معروف‌تر مناظره «سلیمان با مور» (همان: ۲۶۲) است که هم در قرآن کریم آمده (نمل، ۱۸ و ۱۹) و هم در آثار متقدمین مسبوق به سابقه است. (از جمله در خاقانی، ۱۳۸۵: ۳۴۴) در سه مورد دیگر گفت‌وگوی «طوطی و بازرگان» (اعتصامی، ۱۳۷۰: ۲۸۷) «چوپان و گرگ» (همان: ۳۳۲) و «پرنده و صیاد» (همان: ۳۷۳) محور اصلی داستان است.

۴. گفت‌وگوی حیوان با خودش است:

تنها در یک مورد، پروین به شیوه خودگویی ۱ زبان شکوه و شکایت مرغی خسته به پیکان تیز صیاد است که پس از زخم پیکان خون چکان با ناامیدی و حسرت از ضعف و مظلومیت خود می‌نالند و از نابرابری حقوق زندگی برای ضعیف و قوی ناشاد است. او گله‌مند است از اینکه:

«زمانه عرصه برای ضعیف تنگ گرفت
هماره بهر توانا فراخ میدانی است»

و در پایان، قبیله خودخواه انسان‌ها را که دعوی برتری بر دیگر موجودات را دارند، این‌گونه مورد عتاب و نکوهش قرار می‌دهد: چه برتری است ندانم به مرغ مردم را
جز اینکه دعوی باطل کند که انسانی است
در این قبیله خودخواه هیچ شفقت نیست
چو نیک در نگری، هر چه هست عنوانی

است» (همان: ۳۰۳)

نحوه ارتباط طرفین مناظره:

ارتباط طرفین مناظره تابع هدف و آرمانی است که اندیشه شاعر در پی تحقق و ترویج آن بوده است. چنانچه قصد نصیحت و خیراندیشی داشته، این رابطه، دوستانه و مبتنی بر همدلی و همدردی است و غالباً طرفین بحث هم‌نوع و هم‌جنس‌اند. همان‌طور که برای بیان تضادهای نفاق‌ها و طمع‌کاری‌ها، تفکری خصمانه و نفاق‌آمیز توأم با مکر و فریب بر رابطه طرفین سایه می‌اندازد. علاوه بر این‌ها، تقلید، طعن و تعریض، عتاب و مناظره معاشیق شعری از دیگر موضوعاتی است که رابطه طرفین گفت‌وگو را شکل می‌دهد. در اینجا برای هر کدام از این ارتباط‌ها مصادیقی ذکر می‌شود.

۱. رابطه دوستانه و محبت‌آمیز:

کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز
به جرئت کرد روزی بال و پر باز (همان: ۱۴۷)
گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری
کآخ تو هم برون کن از این آشیان سری (همان: ۲۱۰)

مرغی به باغ رفت و یکی میوه کند و خورد
ناگه ز دست چرخ به پایش رسید سنگ (همان: ۲۱۶)

کبوتری سحر اندر هوای پروازی
به بام لانه بیاراست پر ولی نپرید (همان: ۲۵۴)

گفت با صید قفس مرغ چمن
که گل و میوه خوش و تازه‌رس است (همان: ۳۱۳)

موشکی را به مهر مادر گفت
که بسی گیرودار در ره ماست (همان: ۳۲۰)

دی مرغکی به مادر خود گفت تا به چند
مانیم ما همیشه به تاریک خانه‌ای (همان: ۳۲۲)

با مرغان خویش چنین گفت ماکیان
کای کودکان خرد که کار کردن است (همان: ۳۷۰)

۲. رابطه خصمانه: (دو طرف

مناظره دشمن سنتی یکدیگرند.)

گفت ماهی خوار با ماهی ز دور
که چه می‌خواهی از این دریای شور؟ (همان: ۱۹۸)

ز قلعه ماکیانی شد به دیوار
به ناگه روپهی کردش گرفتار (همان: ۲۴۴)

به بام قلعه‌ای بازی شکاری
نمود از ماکیانی خواستگاری (همان: ۲۹۱)

ز حیلہ بر در موشی نشست گریه و گفت
که چند دشمنی از بهر حرص و آز کنیم؟ (همان: ۳۰۳)

پیام داد سگ گله را شبی گرگی
که صبحدم بره بفروست میهمان دارم (همان: ۳۳۱)

گفت گرگی با سگی دور از رمه
که سگان خویش‌اند با گرگان همه (همان: ۳۵۶)

دید موری طاسک لغزنده‌ای
از سر تحقیق زد لبخنده‌ای (همان: ۳۷۵)

گربه پیری ز شکار اوفتاد
زار بنالید و نزار اوفتاد (همان: ۳۱۰)

شنیدستم یکی چوپان نادان
بخفتی وقت گشت گوسفندان (همان: ۳۳۲)

۳. رابطه طرفین بر پایه تقلید

یکی از دیگری است:

دید موری در رهی پیلی سترگ
گفت باید بود چون پیلان بزرگ (همان: ۱۸۳)

نارونی بود به هندوستان
زاغچه‌ای داشت در آن آشیان (همان: ۲۷۸)

به گریه گفت ز راه عتاب شیر ژبان
ندیده‌ام چو تو هیچ آفریده سرگردان (همان: ۳۳۷)

۴. رابطه‌ای که بر اساس طعن و

تعریض یکی نسبت به دیگری

شکل گرفته است:

به طعنه پیش سگی گریه گفت کای
مسکین
قبیله تو بسی تیره روز و ناشادند (همان: ۲۱۲)

دنباله مطلب در صفحه ۴۶